

تفکر خلاق در عکاسی دیجیتال

# ذهن عکاس

نویسنده: مایکل فریمن - ترجمه: علیرضا بهارلو



فصل اول هدف

لایه‌های موضوع

حوب حلوه نمودن

ریبایی متعاقب

هیولاهای حفته

کلیشه و کایه

ارتقای امور پیش‌پافتاده

آشکارگی

فصل دوم اسلوب

گستره بیان

تعادل کلاسیک

همساره‌ها

هدایت نگاه

تقابل

۸

۱۰

۲۱

۳۹

۵۰

۶۱

۷۵

۸۵

۱۰۰

۱۰۳

۱۲۰

۱۳۴

۱۴۶

۱۵۴

سک گرافیک نارل

مییمالیسم

سک گرافیک والا

بی‌بطنی طراحی شده

فصل سوم فرانس

قالب‌های تصویر

ترکیب‌بندی تعاملی

رمان و حرکت

نگاه

فراواقع‌نمایانه

عی و پرمایه

تحلیل‌رفته

روشن

۱۶۷

۱۷۴

۱۸۲

۱۹۵

۲۰۶

۲۰۹

۲۱۷

۲۲۳

۲۲۸

۲۳۲

۲۴۲

۲۴۸

۲۵۱

«تمام خودکار است تنها کاری که باید کرد فشردن یک دکمه است این دوربینی است که هرتاره کاری آن را می‌برد [با کمی درنگ و اشاره به سر خود] تمامش در ایحاست»

### هلموت نیوتن<sup>۱</sup>

در عکاسی، رسمی روح یافته که توصیح و نگارش حدی، در حطاب به محاطب بی طرف است افرادی که قرار بیست پا فرا گذارد و چیری مشابه را برای خود تحرره کسد فکر نمی‌کسم هنگامی که سوران سانتاگ<sup>۲</sup> کتاب «دربارهٔ عکاسی» را نوشت، توقع داشت خواندگانش خود را با مقولهٔ عکاسی درگیر کسد او کارش را با این پیش‌فرض آغاز نمود که خواندگان به عکس‌هایی که پیش‌تر گرفته شده‌اند نگاه خواهند کرد « فراگیری نا عکس یا گلچینی از عکس‌ها جمع‌آوری عکس، جمع‌آوری دیباست» رمانی که او از عکاسی مردم عادی بحث می‌کسد، از آن به مثابه یک یک پدیدهٔ اجتماعی سخن به میان می‌آورد « بسیاری از مردم، عکاسی را به عنوان هر به کار نمی‌گیرند این پدیده در بیشتر مواقع آدایی اجتماعی است » این بخشی از سستی گسترده‌تر برای تفسیر و نقد هیری است گرچه ناقدان و مورخان هیری، هم‌چون جان راسکین<sup>۳</sup>، برنارد برسوس<sup>۴</sup> و کلمنت گرین‌برگ<sup>۵</sup> برای نقاشان آیدمه امکانات فراهم نمی‌آوردند با این حال هرچند انس مسأله ممکن است برای اکثر هیرها قابل تفهیم باشد، اما باید گفت که

عکاسی حوره‌ای متفاوت است در حملهٔ احیرر از واژهٔ متفاوت استفاده کردم و این بدان دلیل است که تلیق دیحیتال و پهن‌بند، در کنار تغییر در جایگاه و مقصود هیر، عصر عکاسی دموکراتیک را آغار کرده است محاطب عکاسی خود، عکس را تهیه می‌کسد<sup>۱</sup> دردناک است هرمدان به سدرت در مورد این قضیه حس حوسی دارد، اما این شیوه‌ای تثبیت شده است و تصور می‌کسم رمان مناسبی است که حوانش عکس را با برداشت عکس همراه کرد افرون براین، شرح و تفسیر هیرها همواره بی طرفانه بوده است هنگامی که سیسرو در سدهٔ حسست پیش از میلاد کتاب «دربارهٔ قوهٔ حلاقه» را به رشنهٔ تحریر درآورد و رمانی که فیلسوف یونانی، دیویسوس لانگیوس بعدتر رسالهٔ خود را با عنوان «دربارهٔ امر والا» در ناب شعرو سحوری به نگارش درآورد، هر دو تعالیمی عملی را ارائه می‌کردند در آن رمان هر فرد تحصیل کرده و صاحب دانش، به طور قطع به هیربیا و نوشتار می‌پرداحت در حال حاضر بیر با نوعی عکاسی روبرو هستیم که میلیون‌ها انسان درگیر آن هستند و شمار قابل توجهی از آن برای بیان حلاقانه بهره می‌گیرند آموختن حوانش بهتریک عکس می‌تواند و به احتمال فراوان باید محرره گرفتن تصاویری مطلوب‌تر شود به هر تقدیر، این بحث و فرض من در مقال است البته پرسش میلیون دلاری آن است که چه چیز باعث ایجاد یک تصویر مطلوب می‌شود؟ این پرسشی است که از من بارها

در صحت‌ها و مصاحبه‌ها پرسیده شده است که البته پرسشی دست‌یافتنی و طفره‌آمیز به نظر می‌رسد می‌تواستم در پاسح بگویم «ساحتار مناسب» یا هر تعداد ویژگی‌های خاص‌تر، اما این مسأله دامنهٔ کار را محدود می‌سارد اگر یک گام برای دیدن نمای کلی به عقب بازگردیم، تهیهٔ فهرستی از ویژگی‌های تصویرپرداری خوب، در واقع آن چسان هم دشوار بیست من شش مورد برای این امر در نظر می‌گیرم شاید شما حواهد چند مورد دیگر هم اصافه نمایید، اما معتقدم که آنها به عنوان ریر مجموعه‌های این موارد عمل می‌کسد البته تمام تصاویر خوب از همهٔ این موارد تعیت نمی‌کسد، اما بیشتر آنها چنین هستند

۱ آگاهی بسست به این که چه چیری در بیشتر مواقع متقاعدکننده است حتی اگر تصویری از اصول و مبابی فی و ریباشاحتی تحطی کسد، ضروری است که در راستای آگاهی از همین موارد قرار داشته باشد

۲ تحریک و تهییح اگر عکسی موحب برانگیختن و حلت توجه بشود، آن‌گاه تنها می‌توان به آن صفت «مناسب» را اطلاق کرد، به بیشتر

۳ چند لایه عکسی که بر روی بیش از یک سطح کار می‌کسد، مانسد امور گرافیکی به همراه مفهومی عمیق‌تر، بهتر عمل خواهد کرد ما بیره عنوان بیسده حواهان کشف و دریافت هستیم






۴ تطابق با زمینه فرهنگی عکاسی تا حدود زیادی بخشی از حوراک بصری هر شخص است و در ذات خود، امری معاصر است بیشتر افراد آن را به عنوان چیزی قبول دارند که به «ایحا» و «اکون» می‌پردازد

۵ داشتن ایده هراتر هری دارای ژرفایی از اندیشه است که بدان می‌پردازد یک عکس بیارمند این است که تحیل پینده را به نه خود جلب کند و بیرنگاه را محدود خود سارد

۶ درستی و مطابقت با رسانه ایس در واقع نگاهی بلند مدت در نقد هراس است که به موح آن، هر رسانه هری ناید نه کاوش و بهره‌برداری از آن چه در آن حوب است پردازد و ارسایر فرم‌های هری حداقل نه بدون استفاده از کنایه تقلید نکند

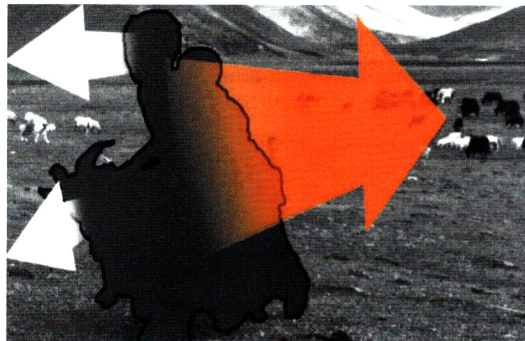




عکاسی در مسیر دستیابی صریح و بی‌واسطه به موضوع مورد نظر، بسیار خوب عمل می‌کند. چیزی در مقابل دوربین قرار دارد، بنابراین می‌توان عکاسی کرد و تصویری از آن را با اندیشه یا بدون اندیشه در اختیار گرفت. انجام این مهم به طور معمول ممکن است سبب حصول کارهای بزرگی گردد، اما تفکر آغار کار، تصمیم‌کننده نتیجه بهتر است.

بخش عمده‌ای از تعالیم عکاسی، بر روی نحوه واضح و آشکار بودن تمرکز دارد و این عمل از طریق تعیین موضوع، انتخاب عدسی مناسب، زاویه دید و آن نوع از قاب‌بندی صورت می‌گیرد که به مناسب‌ترین و بی‌واسطه‌ترین روش، آن را به بیسده انتقال می‌دهد. این همان چیزی است که برای مثال یک عکس حری به آن نیاز دارد؛ وضوح و کارایی اما آن چه برای یک تصویر در یک زمینه خاص صادق است، ممکن است در صورت ارائه در جهت هدفی متفاوت (برای نمونه دیوار یک گالری)، خلاف آن مورد عمل کند. چنان چه عمل مورد نظر، ارتباط باشد و نه تعمق، وضوح می‌تواند مریت تلقی شود و اگر می‌خواهید مردم به عکاسی شما توجه کنند و از آن لذت ببرند باید برای آنها دلیلی ارائه کرد تا به آن چه دارید بیش از یک نگاه کوتاه نظر بیاندازند. از این جهت نخستین بخش از کتاب پیش رو، بیشتر درباره چرایی است تا چگونگی.





◀▲ بخشی از سوژه‌ای بزرگ‌تر

بچه‌های عشایر در سیچوان عربی ایس پسرها و بری که متعلق به آنهاست، موضوع اصلی کار هستند، اما موضوع بزرگ‌تری که انگیزه برداشت چنین عکسی محسوب می‌شود، زندگی عشایر در مفهوم کلی بود تصاویر دیگر در اینجا، به ادامه مقاله پرداخته و آن را کامل ترمی سارید